

کار بست الگوی پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه (مطالعه موردی: بررسی آتش به اختیار در سیره معصومان علیهم السلام)

محمد قاسم پور قاضی محله / دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

mohammadghasempur@chmail.ir

gpicac@gmail.com

غلامرضا پرهیز کار / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷

چکیده

الگوی «پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه» روشی پیشنهادی برای مطالعه در حوزه علوم انسانی اسلامی با بهره‌گیری از تجارب زیسته مؤمنان و با لحاظ تأثیرپذیری آنان از معارف دینی در فهم پدیده‌ها و عملکردهای زندگی است. در این الگو نخست فهم‌ها یا عملکردهای مؤمنانه شناسایی و سپس به مثابه فرضیه‌ای ملهم از دین، به دین عرضه و ارزیابی می‌شود تا در نهایت از این طریق به دانش‌های جدید و مطابق شرایط جدید - و البته مورد تأیید دین - برسیم. در این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی به دنبال کاربرست و نشان دادن نحوه استفاده از این روش برای تحقیق در حوزه علوم انسانی اسلامی و نشان دادن ظرفیت‌های آن هستیم که مطالعه موردی این روش، بر ایده «آتش به اختیار» انجام شده است؛ ایده‌ای که از سوی مقام معظم رهبری مطرح گردید. «آتش به اختیار» نمونه بارز تجارب زیست مؤمنانه است که ظرفیت بازخوانی در قالب الگوی پسکاوای برای تولید علم و نظریه دینی را دارد. بر این اساس، دیدگاه «آتش به اختیار» پس از شناسایی دقیق به عنوان فرضیه، به یکی از منابع مهم دینی، یعنی سیره عرضه و ارزیابی گردید. مطابق نمونه‌های یافت شده از سیره، دیدگاه «آتش به اختیار» در کلیت خود با سیره قابل تأیید است و انجام عمل آتش به اختیار در برخی شرایط اجتماعی مجاز و در هنگام عمل به آن نیز رعایت برخی شروط لازم است.

کلیدواژه‌ها: آتش به اختیار، آیت الله العظمی خامنه‌ای، سیره معصومان علیهم السلام الگوی پسکاوای، تجارب زیسته.

یکی از خلأهای موجود در عرصه علوم انسانی - اسلامی، نبود روش‌های مناسب با اقتضائات و نیازهای این نوع علوم است. الگوی پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه به دنبال عرضه الگویی روشی برای مطالعه در حوزه علوم انسانی - اسلامی از طریق گردآوری تجربه‌های نظری و عملی مؤمنان در هنگام درگیر شدن در موقعیت‌های واقعی زندگی و سپس عرضه یافته‌ها به متون مذهبی به منظور رسیدن به تبیین یا راهکاری دینی است. طراحی این الگو مبتنی بر ایده وجود و امکان بهره‌گیری از فهم عرفی و نیز گرانباری مشاهده از نظریه صورت پذیرفته و فرض را بر این گرفته که مؤمنان به سبب برخورداری از سطوحی از دانش مذهبی و نیز دغدغه‌های دینی برای زیست مؤمنانه، هنگام مواجهه با شرایط واقعی به دنبال فهم دینی از پدیده‌ها یا کشف شیوه‌های دینی برای زندگی هستند. بنابراین ادراکات و راهکارهای آنان احتمالاً به نحوی متأثر از دین و البته مطابق شرایط و نیازهای زمانه است. این ادراکات یا راهکارها مطابق الگوی پسکاوای شناسایی و سپس به دین عرضه می‌شود تا در صورت تأیید به صورت کامل یا اصلاح شده، نتیجه کار به مثابه یک فهم یا راهکار دینی به جامعه دینی عرضه گردد.

ایده «آتش‌به‌اختیار» از سوی یک عالم دینی آگاه به زمان و دارای تجربه طولانی حکمرانی برای رفع یک مشکل در حکومت دینی مطرح گردید که نمونه‌ای بارز از فهم و تجربه‌ای است که - به احتمال زیاد - متأثر از دین شکل گرفته است. این ایده با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد که بخشی مثبت و بخشی منفی و بعضاً ناشی از درک نادرست ایده مطرح شده بود و بخشی از مشکل ناباوران یا شک‌داران نسبت به آن، ناظر به جایگاه چنین مواجهه‌ای با مسائل فرهنگی در شرایط خاص کشور یا در چارچوب حکومت دینی است. از این رو، تبیین جایگاه این ایده یا سیاست حاکمیتی می‌تواند راهگشا باشد. بخشی از این تبیین نیز می‌تواند مبتنی بر آموزه‌های دینی صورت پذیرد. الگوی «پسکاوای زیست مؤمنانه» می‌تواند روش مناسبی برای تبیین این ایده باشد.

چون سیره معصومان علیهم‌السلام یکی از منابع مهم دینی است، می‌تواند در ایجاد درک درست یا حتی دستیابی به راه‌حل یا تبیین‌های دینی از مسائل و موضوعات جدید پیش‌آمده که نسبتی با دین دارند سودمند باشد. بر همین اساس بنای این تحقیق بهره‌گیری از سیره معصومان علیهم‌السلام برای شناخت و تبیین ابعاد «آتش‌به‌اختیار» است. توضیح بیشتر این نحوه مواجهه در ادامه خواهد آمد.

بجاست در مقدمه منظور خود را از اصطلاح «سیره» روشن سازیم. «سیره» در لغت، معانی گوناگونی مانند مذهب، سنت، طریقت، عادت و زندگی‌نامه دارد (مدرس تبریزی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۷۷؛ صدرحاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۴۷۸) که در این تحقیق، به معنای «زندگی‌نامه چهارده معصوم علیهم‌السلام» است.

با توجه به توضیحات پیشین، سؤال اصلی تحقیق چنین است: نحوه کاربست الگوی «پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه» در علوم انسانی و به صورت موردی در «آتش‌به‌اختیار» چگونه است؟ در ذیل آن به پنج سؤال فرعی براساس آنچه در روش می‌آید، خواهیم پرداخت که عبارتند از:

۱. روش الگوی «پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه» چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲. آیا الگوی «پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه» روش کارآمدی در علوم انسانی است؟

۳. با توجه به سیره معصومان (ع) در کدام زمینه‌های اجتماعی و چه موضعی، عمل «آتش‌به‌اختیار» ممکن یا حتی ضروری است؟

۴. با توجه به سیره معصومان (ع) عمل به «آتش‌به‌اختیار» در هنگام تحقق چه شرایطی باید داشته باشد؟

۵. «آتش‌به‌اختیار» در منظر مقام معظم رهبری، چه نسبتی با «آتش‌به‌اختیار» برآمده از سیره معصومان (ع) دارد؟

پیشینه تحقیق

از زمان طرح دیدگاه «آتش‌به‌اختیار»، در این زمینه قریب ۸ اثر مکتوب به نگارش درآمده است: چهار کتاب، یک مورد جزوه و سه مقاله. البته تعداد زیادی مصاحبه و یادداشت از افراد یا شخصیت‌های گوناگون در رسانه‌ها نشر یافته در دسترس است که به سبب تکرر و تنوع بالا و البته بعضاً محتوای تکراری یا غیرمفید برای این تحقیق از ذکر آنها در اینجا اجتناب می‌شود؛ اما بعضاً ممکن است بر ذهن نگارندگان تحقیق اثرات مستقیم یا غیرمستقیمی داشته و عملاً در تحقیق حضور یافته باشد.

کتاب *آتش‌به‌اختیار، کار فرهنگی و خودجوش و تمیز* (کریم‌آبادی سیزی، ۱۳۹۸) از جمله این آثار است. این کتاب بیشتر به تبیین و توضیح دیدگاه مقام معظم رهبری درباره مفهوم «آتش‌به‌اختیار» پرداخته است. نقطه قوت این کتاب بیان همه قرائن و شواهد «آتش‌به‌اختیار» در بیانات مقام معظم رهبری است؛ اما برای توضیح برخی مطالب، از شواهد و قرائن بسیار بعید در کلام ایشان استفاده شده است. همچنین ادعاهایی مطرح شده که بیشتر از سنخ مسائل فلسفی هستند و دلیل محکمی برای آنها ارائه نگردیده است.

کتاب *آتش‌به‌اختیار در عرصه فرهنگی* (پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، ۱۳۹۷). این کتاب شبیه اثر پیشین، نکات ارزنده‌ای از «آتش‌به‌اختیار» در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و تقریباً تمام نکات مثبت آن را داراست؛ اما همان نقاط ضعف را نیز دارد. نویسندگان برای تکمیل دیدگاه مقام معظم رهبری از دیگر منابع نیز استفاده کرده‌اند.

کتاب *راهنمای عملی آتش‌به‌اختیار* (هیأت عالی اندیشه‌ورز بسیج، ۱۳۹۶)، همان گونه که از نام آن پیداست، نکات عملی فراوانی درباره «آتش‌به‌اختیار» دارد و فاقد بعد نظری است.

کتاب *آتش‌به‌اختیار* (مرکز دیدار، بی‌تا). این کتاب ابتدا اجمال علل صدور فرمان «آتش‌به‌اختیار» توسط مقام معظم رهبری و معنای آن را تجلیل و بررسی کرده و در آخر به تفصیل، چند نمونه از کارهای فرهنگی در این زمینه را معرفی کرده که نقطه قوت آن محسوب می‌شود.

تنها جزوه موجود مربوط به کلاس درس سعید جلیلی با عنوان «تأملی بر مفهوم آتش‌به‌اختیار براساس آیات قرآن کریم» (جلیلی، ۱۳۹۶) است که ریشه‌های قرآنی «آتش‌به‌اختیار» را بررسی کرده و توسط شاگردان ایشان جمع‌آوری شده است.

مقاله‌های «تأثیر فرمان آتش‌به‌اختیار رهبر انقلاب جمهوری اسلامی ایران در حوزه فکری و فرهنگی» (قرشی،

(۱۳۹۶): «چیستی آتش‌به‌اختیار در منظومه فکری و عملی رهبر معظم انقلاب» (باقری، ۱۳۹۶) نیز مانند برخی کتب مذکور، نقطه قوتشان بیان قراین و شواهد «آتش‌به‌اختیار» در بیانات مقام معظم رهبری، و نقطه ضعف آنها استفاده از برخی شواهد و قرائن یا لوازم بعید در کلام ایشان است.

مقاله «هبانی فرمان آتش‌به‌اختیار در منظومه فکری امام خامنه‌ای» (جلالوند و جلالوند، ۱۳۹۵)، مبنای قرآنی، روایی و عقلی آتش‌به‌اختیار را بررسی کرده و از این نظر نسبت به دیگر آثار مرتبط، برتری دارد.

لازم به یادآوری است که بهره‌گیری این تحقیق از منابع مذکور، بیشتر برای تحلیل و پی بردن به زوایای گوناگون فرمایش‌های *آیت‌الله العظمی خامنه‌ای* بوده، اما تفاوت اصلی این تحقیق با کتاب‌های ذکرشده در این است که اولاً، برای تبیین مراد مقام معظم رهبری، تنها به بیانات ایشان اکتفا نشده و به منابع دیگر (منابع سیره‌ای) نیز مراجعه شده است. ثانیاً، این مراجعه به صورت روشمند و براساس الگوی «پسکاوی زیست مؤمنانه» انجام گرفته که در بخش روش تحقیق، بیشتر به آن اشاره شده است. بنابراین وجه امتیاز این تحقیق ارجاع مفهوم «آتش‌به‌اختیار» به سیره معصومان علیهم‌السلام و ارزیابی آن براساس سیره است.

روش تحقیق

روش استفاده‌شده در این تحقیق، الگوی «پسکاوی تجارب زیست مؤمنانه» است (پرهیزکار، ۱۳۹۹). الگوی مزبور یکی از روش‌های دستیابی به علم دینی در علوم اجتماعی است که هدف آن افزایش کاربردپذیری علم دینی و توجه به مسائل جدید زندگی با بهره‌گیری از تجارب و تأملات ژرف‌یافته مؤمنانه در مواجهه با موضوعات و مسائل واقعی زندگی و سپس پالایش آنها براساس متون دینی و اعتبارسنجی دینی آنهاست. این الگو در گام نخست به گردآوری تجارب زیسته مؤمنانی اشاره دارد که سطوحی از دانش و دغدغه دینی را دارا هستند و متأثر از آن، به روش‌هایی برای زندگی یا تبیین‌ها و تفسیرهایی از زندگی اجتماعی در شرایط جدید می‌رسند. این روش‌ها یا ادراکات که هم مرتبط با مسائل کاربردی زندگی است و هم حاصل تجربه و تفکر افراد عادی یا حتی اندیشمندان و هم متأثر از دین و شناخت‌ها و دغدغه‌های دینی به‌وجودآمده - دست‌کم - به‌مثابه شیوه‌های عملی زندگی یا نظریات عرفی قابل استفاده‌اند، اما در الگوی پسکاوی، به‌مثابه فرضیاتی برای پژوهش در نظر گرفته می‌شوند و در گام دوم این فرضیات به متون دینی (قرآن و سنت) عرضه و آزمون می‌گردند؛ یعنی براساس متون دینی بررسی انتقادی می‌شوند تا سرانجام - و بر حسب موضوع - یا به روش‌های عملی برای زندگی یا دیدگاه‌های دینی صواب برای تبیین مسئله اجتماعی محل بحث برسیم.

در گام نخست الگوی پسکاوی با توجه به نوع موضوع، از روش‌هایی مانند «مصاحبه» یا «تحلیل محتوا» برای گردآوری اطلاعات و دستیابی به فرضیات، و در گام دوم از روش‌های مصطلح اجتهادی برای عرضه یافته‌ها به دین و ارزیابی انتقادی آنها استفاده می‌شود.

براین‌اساس، ایده «آتش‌به‌اختیار» که از سوی یک عالم دینی آگاه به شرایط زمانه و دغدغه‌مند صادر شده و حاصل تجربه طولانی و تأملات ایشان از دین و شرایط جامعه اسلامی است، در این تحقیق به‌مثابه یک روش

برای عمل در جامعه دینی یا دیدگاه نظری برای فهم امور اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد و به مسئله تحقیق تبدیل می‌شود. سپس با تحلیل محتوای سخنان ایشان، دیدگاه معظم‌له در این زمینه استخراج و زمینه اصلی و اجزای آن شناسایی می‌گردد. در گام بعد به کمک روش اجتهادی دیدگاه استخراج شده بر سیره معصومان علیهم‌السلام - که بخشی از متون دینی اسلام است - عرضه و ارزیابی می‌شود تا سرانجام تأیید و یا اصلاح و تکمیل گردد.

این تحقیق کوشیده در مراجعه به سیره، نمونه‌ها و مصادیق مرتبط با «آتش‌به‌اختیار» را شناسایی کند. البته نتایج این تحقیق محدود به مواردی است که در سیره جست‌وجو شده است. به‌طور طبیعی مراجعه به دیگر اجزای متون دینی بر غنای بحث خواهد افزود، هرچند مناسب‌ترین جایگاه برای یافتن مصادیق احتمالی «آتش‌به‌اختیار» همان سیره معصومان علیهم‌السلام است.

مراحل تحقیق

گام نخست: چستی «آتش‌به‌اختیار» و ابعاد آن

براساس الگوی پسکاوای، در گام نخست باید به درکی از مفهوم «آتش‌به‌اختیار» و ابعاد آن برسیم تا بتوانیم آن را در گام بعدی به سیره معصومان علیهم‌السلام عرضه کنیم.

«آتش‌به‌اختیار» در اصل، یک اصطلاح نظامی است. چون شرایط فرمان آتش همیشه برای فرمانده نظامی مهیا نیست، گاهی فرمانده به‌سبب قرار گرفتن در موقعیت و یا شرایط خاص، فرمان «آتش‌به‌اختیار» صادر می‌کند تا سرباز و واحد تحت امر او اگر توانست با فرمانده خود ارتباط برقرار کند، آزادی عمل داشته باشد و در موقعیت مناسب، هدف را شناسایی و اقدام به تیراندازی کند (کریم‌آبادی سبزی، ۱۳۹۸).

توجه به تعریف اصطلاحی در حوزه نظامی اگرچه مفید است، اما کافی نیست؛ زیرا وجود تنها یک شباهت بین عرصه نظامی و عرصه حاکمیتی و یا فرهنگی - اجتماعی، کاربست استعاری آن در عرصه‌های دیگر را مجاز می‌سازد، ولی این جواز به معنای آن نیست که تمام احکام و ویژگی‌های آن در عرصه نظامی را بتوان به دیگر عرصه‌ها نیز تعمیم داد.

بنابراین توجه به تعریف «آتش‌به‌اختیار» از منظر نظامی، به شناخت اولیه از آن در باب فرهنگ و جامعه کمک می‌کند. اما آنچه در اینجا و براساس روش تحقیق موضوعیت دارد، مفهومی از «آتش‌به‌اختیار» است که در اثر درک موقعیت کشور و متأثر از بینش دینی، برای مقام معظم رهبری شکل گرفته است. از این رو، مراجعه به بیانات ایشان و تحلیل محتوای آن مهم‌ترین شیوه برای دستیابی به تعریف و شرایط و ویژگی‌های «آتش‌به‌اختیار» در این تحقیق محسوب می‌شود.

«آتش‌به‌اختیار» در بیانات مقام معظم رهبری اینگونه توصیف شده است:

گاهی دستگاه‌های مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست دچار اختلال و تعطیلی می‌شوند که در این وضعیت، باید افسران جنگ نرم با شناخت وظیفه خود، به صورت «آتش‌به‌اختیار»، تصمیم‌گیری و اقدام کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

از جمله کارهای مهم، کارهای فرهنگی است. ما خلل و فرج فرهنگی زیاد داریم. جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است. این را، هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند.

«آتش‌به‌اختیار» به معنای کار فرهنگی خودجوش و تمیز است. آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند؛ منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها کار انجام بدهند.

آتش‌به‌اختیار به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده دشمنان از وضعیت کشور، و مراقب حفظ قوانین [باشند]. این مراقبت‌ها در درجه اول، متوجه نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و ما یلند که کشور به سمت هدف‌های خود حرکت بکند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۴/۵).

اینکه ما گفتیم «آتش‌به‌اختیار»، فقط مخصوص کارهای فرهنگی نیست، در همه زمینه‌هایی که برای پیشرفت کشور مؤثر است جوان‌ها می‌توانند نقش‌آفرینی کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۱/۱). معنای «آتش‌به‌اختیاری» که ما گفتیم، این است: یعنی همه جوان‌ها، همه گروه‌های مؤمن در زمینه‌های مختلف، هر کاری که برایشان میسر است و مطابق با قوانین کشور و مصلحت کشور [است]، باید انجام بدهند و معطل کسی نباید بمانند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۹).

با تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب می‌توان مؤلفه‌های «آتش‌به‌اختیار» فرهنگی را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

یکم. زمینه‌های اجتماعی آتش‌به‌اختیار:

- اختلال و تعطیلی در مراکز تصمیم‌گیری حاکمیتی؛
- وجود منافذ و خلل و فرج فرهنگی در کشور که نفوذگاه دشمن است.

دوم. شرایط عمل آتش‌به‌اختیار:

- قانون‌مداری؛
- رعایت اخلاق؛
- بهانه ندادن به دشمن یا افراد پوچ‌اندیش؛
- رعایت نظم کشور؛
- حفظ آرامش کشور؛
- رعایت مصالح کشور.

سوم. مخاطبان حکم آتش‌به‌اختیار:

- افسران جنگ نرم؛
- جوانان؛

- همه گروه‌های مؤمن؛

- صاحبان فکر و اندیشه و همت؛

- مجموعه‌های عظیم مردمی.

با توجه به ابعاد مذکور، می‌توان «آتش‌به‌اختیار» را این‌گونه تعریف کرد: «فعالیتی خودجوش و مبتکرانه که توسط جوانان و یا افراد مؤمن، صاحب اندیشه، افسران جنگ نرم و مجموعه‌های عظیم مردمی، به‌منظور جبران اختلالات حکومت و بستن راه نفوذ دشمن، به‌ویژه در حوزه فرهنگ، با رعایت قانون‌مداری، اخلاق، نظم و امنیت صورت می‌گیرد».

نکته قابل توجه آنکه رهبر معظم انقلاب تا قبل از استفاده از اصطلاح مزبور، بارها از واژه «کارهای خودجوش» استفاده کرده‌اند؛ اما به‌نظر می‌رسد «آتش‌به‌اختیار»، نوعی کار خودجوش برای «جبران اختلال حکومت و بستن راه‌های نفوذ» است و رابطه مفهومی آنها عموم و خصوص مطلق است.

گام دوم: ارجاع آتش‌به‌اختیار به سیره معصومان علیهم‌السلام

پیش از ارجاع مفهوم «آتش‌به‌اختیار» به سیره، توجه به این نکته لازم است که این مفهوم یک بخش بدیهی دارد و یک بخش غیربدیهی. بخش بدیهی آن مربوط به اصل جبران نقص است؛ یعنی در زمان وقوع اختلال در حکومت و از دست رفتن برخی مصالح و رخ دادن برخی مفاسد، نباید بی‌تفاوت بود، بلکه برای جبران مصالح باید کاری کرد، و این بدیهی است؛ یعنی چون حب ذات در طبیعت انسان نهفته است و انسان به‌تبع این حب، کمال‌طلب است، به‌دنبال کارهایی می‌رود که بر کمالاتش بیفزاید و او را از نقص‌ها رهایی بخشد. به‌عبارت دیگر، هر کس وقتی به درون خود مراجعه کند، بالوجدان می‌یابد که نباید در مقابل اموری که موجب نقص او می‌شود بی‌تفاوت باشد و باید درصد مقابله با آنها برآید (مصباح، ۱۳۹۸، ص ۱۷۱-۱۷۳).

این نکته همان‌گونه که در سطح فردی درست است، در سطح اجتماعی نیز با لحاظ شرایط خاص خود قابلیت طرح دارد. یکی از اموری که در سطح اجتماعی و کلان موجب نقص در انسان و زندگی گروهی آنان می‌شود، اختلال در حکومت است و انسان‌ها وقتی متوجه آن می‌شوند برای رفعش تلاش می‌کنند، لیکن نوع مواجهه متفاوت است؛ زیرا نوع آن بدیهی نیست. مردمان به حسب تجارب، دانش‌ها و شرایط دست به عمل می‌زنند.

نتیجه آنکه با توجه به عقلانی و فطری بودن اصل «آتش‌به‌اختیار» - علی‌القاعده - کلیت آن نباید با مخالفت شرع همراه گردد، بلکه باید با تأیید همراه شود، و چون یک رفتار انسانی است پس در همه دوره‌ها، از جمله در عصر حضور معصومان علیهم‌السلام نیز رفتارهای مشابهی در هنگام اختلال در حکومت‌ها رخ داده که البته شواهد تاریخی آن نیز وجود دارد و در ادامه خواهد آمد. اما اینکه چه چیزهایی اختلال محسوب شود و یا اینکه عمل مزبور با چه شرایطی امکان انجام دارد، اکنون برای ما معلوم نیست و با رجوع به سیره، می‌توانیم به این امور پی ببریم و در نهایت راجع به دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در بخش غیربدیهی آن داوری کنیم.

با این مقدمه گام دوم را بدین صورت پی می‌گیریم: ابتدا با لحاظ آنچه از سخنان مقام معظم رهبری به دست آمده و الهام‌بخش فرضیات یا - دست کم - سوالات تحقیق است، به دو نکته اساسی اشاره می‌کنیم: اولاً، از لحاظ اجتماعی، در چه موضوعی انجام برخی اعمال به مثابه عمل «آتش‌به‌اختیار» مجاز می‌شود؟ ثانیاً، در شرایط اجتماعی مجاز، برای خود عمل «آتش‌به‌اختیار» چه شروطی را باید در نظر گرفت؟ و در نهایت، ضمن جمع‌بندی مباحث مربوط به سیره، به مقایسه دیدگاه رهبر معظم انقلاب در این دو زمینه با آنچه از سیره مستفاد است، خواهیم پرداخت.

۱. زمینه‌های وقوع «آتش‌به‌اختیار» از منظر سیره معصومان علیهم‌السلام

اهل بیت علیهم‌السلام در بسیاری از موارد، از بیان برخی دستورات یا انجام برخی افعال خودداری می‌کردند؛ اما اگر آن دستور یا فعل توسط یکی از اصحاب ایشان صادر و یا انجام می‌شد، گاهی تشویق می‌کردند و گاهی سکوت، و اگر انجام نمی‌شد اصحاب را توبیخ می‌کردند. این موارد می‌تواند نشان‌دهنده اختلالات و مشکلاتی باشد که در جایگاه فرماندهی و رهبری جامعه وجود داشت و موجب می‌شد بی‌آنکه امام جامعه مستقیماً امر یا نهی داشته باشد، اقدام امت در آن زمینه به صورت «آتش‌به‌اختیار» مجاز یا حتی ضروری باشد. اینک به مصادیقی اشاره می‌شود که نشان می‌دهد در کدام مواضع اجتماعی، زمینه انجام چنین اعمالی فراهم است. پس از آن به شرایطی اشاره می‌کنیم که توجه به آنها از سوی عاملان «آتش‌به‌اختیار» لازم است.

الف. گستردگی جریان باطل

با توجه به اینکه جریان حق در بیشتر دوران‌ها، به‌ویژه از صدر اسلام تاکنون در اقلیت قرار داشته و از حیث امکانات و نیروی انسانی در سطح پایین‌تری نسبت به دشمن بوده، برای بقا و پیشرفت باید از بالاترین ظرفیت، امکانات و نیروهای خود استفاده کند. یکی از راه‌های بالا بردن ظرفیت و افزایش بازدهی، قرار دادن «آتش‌به‌اختیار» در اختیار مردم است.

دشمنان زیاد مسلمانان از عصر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرفته تا غاصبان خلافت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و قاتلان آن حضرت و امامان پس از ایشان و در نهایت غیبت امام عصر علیه‌السلام همگی نشان از کمی طرفداران حق دارد. نمود غلبه باطل فقط در مسائل پیش‌گفته نبود، بلکه در دوران‌های گوناگون، خود را در سطح جامعه نیز نشان می‌داد. فقر بسیاری از مردم، به‌ویژه شیعیان (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۸۳)، گسترش غنا (موسی‌پور بشلی، ۱۳۹۵، ص ۲۹۰) و زنا (همان، ص ۱۱۷-۱۱۸) و شایع شدن می‌خوارگی و حتی مواد افیونی در سده‌های اخیر (همان، ص ۲۸۷-۲۸۹) همگی نشان از گستردگی جریان باطل دارد.

این گستردگی باطل هر حکومت حقی را که پشتوانه مردمی نداشته باشد از پای درمی‌آورد یا ضعیف می‌کند. شارع مقدس نیز به این مسئله توجه داشته است. بدین‌روی در مقابله با منکرات برای مردم اختیاراتی قائل شده که در سیره نیز نمود داشته است. برای نمونه، در بحث مهم تبلیغات سوء دشمن، شاهد نمونه‌های متعددی از عمل «آتش‌به‌اختیار» هستیم. برای مثال، در موارد متعدد، هرگاه کفار به مسلمانان حمله تبلیغاتی می‌کردند، شاعران

مسلمان به صورت «آتش به اختیار»، آنها را هجو می کردند و حمله آنها را پاسخ می دادند (یوسفی غروی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹-۳۷۶-۳۷۹). شاهد این موضوع آنکه گاهی که مسلمانان از حد می گذشتند رسول اکرم ﷺ آنها را به صورت موردی نهی می کردند (همان، ص ۴۷۳ و ۴۷۴). علاوه بر این در هیچ یک از گزارش های تاریخی هجویات، اثری از هیچ اجازه های دیده نمی شود، در حالی که گاهی در خصوص مدح، شاهد اجازه شاعران از پیامبر اکرم ﷺ هستیم (یوسفی غروی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۲-۳۳).

ب. فشارهای اجتماعی و ایجاد اختلال در حکومت

فشارهای اجتماعی در رهبری جامعه اختلال ایجاد می کند، به گونه ای که گاهی امام جامعه زمینه عمل در برخی اعمال حاکمیتی را از دست می دهد؛ اما افراد امت می توانند با اعمال «آتش به اختیار» اختلال پیش آمده را برطرف سازند. دو رخداد مشابه در دو غزوه «بنی قینقاع» و «بنی قریظه» مصداقی از این موضوع است:

پس از آنکه یهودیان بنی قینقاع با پیامبر ﷺ پیمان شکستند و از در خصومت وارد شدند، غزوه بنی قینقاع در گرفت. در این جنگ، پس از تسلیم شدن یهودیان شانه های آنها را به ریمان بستند و پیامبر ﷺ مندرین قدامه سلمی را بر ایشان گذاشت... *ابن ابی* بر آنها گذشت و گفت: ایشان را باز کنید! مندر گفت: ... به خدا سوگند، هر کس آنها را باز کند گردنش را می زنم. *عبدالله بن ابی* به طرف پیامبر ﷺ دوید و دست خود را در گریبان زره آن حضرت کرد و گفت: ای محمد، نسبت به دوستان من نیکی کن! پیامبر ﷺ با چهره برافروخته و خشمگین به او فرمود: وای بر تو! رهایم کن! گفت: رهایت نمی کنم تا نسبت به دوستانم دستور به نیکی دهی... پیامبر ﷺ فرمود: رهایشان کنید! خدا ایشان را و او را همراه ایشان لعنت کند!... پیامبر ﷺ آنها را از کشتن رها ساخت و دستور فرمود که از مدینه بیرونشان کنند (واقدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹). در پایان غزوه بنی قینقاع، تحت فشار و التماس های *عبدالله بن ابی* که رئیس منافقان و از بزرگان قبیله خزرج و از هم پیمانان بنی قینقاع بود، حکم آنها به تبعید تغییر کرد.

در غزوه «بنی قریظه» نیز نزدیک بود شبیه همین ماجرا تکرار شود. پس از پایان این غزوه، اوسیان نزد پیامبر ﷺ آمدند و «گفتند: ای رسول خدا، اینها هم پیمان ما هستند... به خاطر دارید که در گذشته با بنی قینقاع که هم پیمانان *ابن ابی* بودند چگونه رفتار کردید؟... پیامبر ﷺ سکوت کردند و مطلبی نفرمودند. پس از اینکه افراد قبیله اوس زیاد حرف زدند و اصرار کردند... فرمود: اگر حکم در این باره را به مردی از شما واگذارم خشنود خواهید بود؟ گفتند: آری. فرمود: حکم کردن در این باره را به *سعد بن معاذ* واگذارم... *سعد بن معاذ* گفت: آیا شما به فرمان من درباره بنی قریظه راضی هستید؟ گفتند: آری... *سعد* گفت: من درباره ایشان چنین حکم می کنم که مردان ایشان به تیغ کشته شوند، و زن ها و بچه ها اسیر گردند و اموال آنها تقسیم شود. پیامبر ﷺ فرمودند: همان حکمی را دادی که خداوند تعالی از فراز هفت آسمان فرموده است (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۸۷).

این دو ماجرا، دو نمونه از تحت فشار قرار گرفتن رسول خدا ﷺ و اختلال در حکومت ایشان است که در اولی خواسته ایشان اجرا نشد، ولی در دومی با هوشیاری *سعد بن معاذ* و حرکت «آتش به اختیار» او، فشار از روی رسول خدا ﷺ برداشته شد و خواسته ایشان انجام گرفت.

نمونه دیگر ماجرای مه‌پورالدم اعلام شدن عبدالله بن سعد، برادر رضاعی عثمان، است. پس از فتح مکه که عموم مشرکان بی‌مجازات آزاد شده بودند، چند تن، از جمله عبدالله بن سعد که مدعی دریافت وحی شده بود، استننا گردیدند و قرار شد حکم بر آنان اجرا شود، ولی با فشار عثمان بر رسول اکرم ﷺ عبدالله بن سعد بخشیده شد؛ عثمان رو به پیامبر ﷺ کرد و گفت: ای رسول خدا! ... استدعا دارم او را به من ببخشید. پیامبر ﷺ روی خود را از عثمان برگرداند و عثمان از جانب دیگر آمد. پیامبر ﷺ باز هم روی خود را برگرداند... عثمان سخت اصرار می‌ورزید... فرمود: بسیار خوب. سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: چه چیزی مانع از آن شد که مردی از میان شما برخیزد... و این فاسق را بکشد؟ عباد بن بشر گفت: ... من از هر سو متوجه شما بودم که فقط با چشم اشاره‌ای کنید... پیامبر ﷺ فرمود: من کسی را با اشاره نمی‌کشم... (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۵۴-۶۵۵).

بخش مهم ماجرا آن است که رسول اکرم ﷺ انتظار داشتند اصحاب با توجه به حکم پیشین، حکم را درباره عبدالله بن سعد اجرا کنند. اما کسی این کار را نکرد و به همین سبب مورد عتاب قرار گرفتند.

ج. بی‌بصیرتی یا حیرانی مردم

از جمله اموری که زمینه‌ساز وقوع «آتش‌به‌اختیار» است، بی‌بصیرتی یا حیرانی مردم است. از جمله آنها ماجرای آماده شدن مردم کوفه برای جنگ صفین است:

بیشی (بسیاری) از مردم برای عزیمت و جهاد، به علیؑ پاسخ مثبت دادند، جز اینکه یاران عبدالله بن مسعود... نزد وی آمدند و به او گفتند: ما با تو رهسپار می‌شویم، ولی در لشکرگاه شما فرود نمی‌آییم و خود اردویی جداگانه می‌زنیم تا در کار شما و شامیان بنگریم؛ هرگاه دیدیم یکی از دو طرف به کاری که بر او حلال نیست دست یازید یا گردن‌کشی و ظلمی از او سر زد، ما بر ضد او وارد پیکار می‌شویم. علیؑ گفت: آفرین! خوش آمدید! این معنی به کار بردن بصیرت در دین، و کار بستن دانش در سنت است و هر کس به چنین پیشنهادی راضی نشود بی‌گمان خائن و ستمگر باشد (منقری، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱-۱۶۲).

این ماجرا نشان می‌دهد که بخشی از یاران امیرمؤمنانؑ در درست یا نادرست بودن جنگ با معاویه شک داشتند و امام علیؑ در مقام جدل و برای توجه به وضعیت مخالف و یا حتی به‌عنوان یک سیاست فرهنگی اصولی به آنها این حق را داد تا در موقعیت ناآگاهی نسبت به درستی راه امام جامعه، از او پیروی نکنند و به شیوه مدنظر خود که شیوه عقلایی بقا در تردید و جست‌وجو برای شناخت حق است، عمل کنند. این نحوه تصمیم و عملکرد متحیران را که حتی در مخالفت با فرمان امام جامعه رخ می‌دهد، می‌توان نوعی «آتش‌به‌اختیار» به حساب آورد که امام نیز با وجود مخالفت متحیران با نظر خود، آنها را مجاز به آن کار و عملشان را درست معرفی می‌کند. در این مثال نیز در حکومت اختلال وجود دارد، منتها از منظر افراد آتش‌به‌اختیار و متحیر.

اما اهمیت آزادی عملی که امامؑ به آنها می‌دهد زمانی روشن می‌شود که بدانیم این افراد تأثیر مهمی در جنگ داشتند و تمایل آنان به هریک از طرفین، می‌توانست پیروزی آن را تضمین کند. بدین‌روی معاویه از

جهت‌گیری این افراد بسیار بیمناک بود و در پی فریب آنان بود (منقری، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰). در نهایت نیز آنان فریب خوردند و یکی از پایه‌های اصلی تحمیل حکمیت بر امام علی^{علیه السلام} را تشکیل دادند (همان، ص ۶۷۳-۶۷۴).

د. حاکمان فاسد

زمانی که زیدبن موسی بن جعفر را که در بصره خروج کرد و خانه‌های بنی‌العباس را آتش زده بود، نزد مأمون بردند، مأمون جرم او را به احترام برادرش علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} بخشید و خطاب به حضرت رضا^{علیه السلام} گفت: اگر برادرت قیام کرده و چنین و چنان کرده، در گذشته نیز زیدبن علی قیام کرد و کشته شد، و اگر در رابطه با من مقام و موقعیت فعلی را نداشتی، او را می‌کشتم... حضرت رضا^{علیه السلام} فرمود: ... برادرم زید را با زیدبن علی مقایسه نکن؛ زیرا او از علمای آل محمد بود، به‌خاطر خداوند - عزوجل - غضب نمود و با دشمنان او جنگید تا در راه خدا کشته شد. پدرم موسی بن جعفر^{علیه السلام} برایم نقل کرد که از پدرش جعفر بن محمد بن علی^{علیه السلام} چنین شنید: خداوند عمویم زید را رحمت کند؛ زیرا او مردم را به رضا (شخص پسندیده) از آل محمد^{علیهم السلام} دعوت می‌کرد و اگر پیروز می‌شد، به آنچه مردم را بدان دعوت می‌کرد، وفا می‌نمود... حضرت صادق^{علیه السلام} فرمود: وای بر کسی که فریاد او را بشنود و او را یاری نکند (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۱۵-۵۱۷).

در این ماجرا اختلال در رأس حکومت است که شخصی غیر لایق در آن قرار دارد و افراد لایق، یعنی اهل بیت^{علیهم السلام} توان بازپس‌گیری آن را ندارند. بدین‌روی فردی مانند زیدبن علی به صورت «آتش‌به‌اختیار» برای بازگرداندن حکومت به اهل بیت^{علیهم السلام} عمل کرد و قیام او مورد تأیید اهل بیت^{علیهم السلام} قرار گرفت (یوسفی غروی، ۱۴۳۱ق، ج ۷، ص ۱۳۱؛ جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۷۲۴-۷۲۵ و ۷۳۲-۷۴۳).

ه. عدم دسترسی به امام جامعه و ضرورت تصمیم

رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} برای جنگ موته لشکری فراهم کرد و فرمود: «زیدبن حارثه فرمانده مردم است. اگر زید کشته شد جعفر بن ابی‌طالب فرمانده خواهد بود، و اگر جعفر کشته شد عبدالله بن رواحه فرمانده خواهد بود، و اگر عبدالله بن رواحه کشته شد، مسلمانان از میان خود مردی برگزینند و فرمانده خویش کنند (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷۶).

حضرت با پیش‌بینی احتمال شهادت فرمانده لشکر - به ترتیب - سه فرمانده مشخص کردند و در گام چهارم اختیار تصمیم‌گیری را به لشکر واگذارند و فرمودند: اگر این سه فرمانده کشته شدند، خود لشکریان فرمانده‌ای انتخاب کنند؛ یعنی برای زمان حادثه که دسترسی به امام جامعه نیست و ضرورتی رخ می‌نماید، مؤمنان حق انتخاب و تصمیم‌گیری دارند و مجاز به عمل «آتش‌به‌اختیار» هستند. در اینجا، هم شاهد اختیار هستیم و هم معیار انتخاب و عمل مسکوت گذاشته شده و به اصحاب واگذار گردیده است.

این ماجرا مصداقی از «آتش‌به‌اختیار» نظامی و معادل معنای نظامی «آتش‌به‌اختیار» در زمان معاصر است. البته قاعده حاکم که چنین کاری را روا می‌سازد، یعنی عدم دسترسی به فرمانده یا امام جامعه و ضرورت تصمیم‌گیری و اقدام در موقعیت خاص، در امور فرهنگی و اجتماعی نیز می‌تواند جاری باشد؛ همان‌گونه که نمونه مزبور از جمله

مواردی است که «آتش‌به‌اختیار» به حفظ ساختار و نظم حاکم کمک می‌کند و جلوی فروپاشی آن را می‌گیرد. بنا بر نمونه مذکور، این تصور که عمل «آتش‌به‌اختیار» موجب از بین رفتن نظم حاکمیتی می‌شود اشتباه است و نشان داد که نه تنها چنین نیست، بلکه به تقویت آن نیز کمک می‌کند.

۲. شرایط عمل به «آتش‌به‌اختیار» از منظر سیره معصومان علیهم‌السلام

عمل «آتش‌به‌اختیار» همانند هر کار دیگری شرایطی برای انجام دارد که در ذیل و براساس یافته‌های این تحقیق بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. عدم نهی امام جامعه

در جامعه‌ای که امام و ولی دارد و امر و نهی امام مشروعیت یک عمل را تعیین می‌کند، به‌طور طبیعی اولین شرط برای درستی عمل «آتش‌به‌اختیار»، عدم نهی امام از آن عمل است. در این صورت به سبب فقدان مشروعیت دینی و سیاسی، نمی‌توان آن عمل را مجاز برشمرد.

در جنگ خیبر، زمانی که مسلمانان صف‌آرایی کرده بودند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسلمانان را از جنگ نهی کردند، تا زمانی که اذن جنگ صادر شود. اما یکی از مسلمانان به این دستور عمل نکرد و «آتش‌به‌اختیار» حمله کرد و کشته شد. در این هنگام مسلمانان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر رساندند که یکی از مسلمانان حمله کرد و شهید شد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند که حمله او پس از نهی از قتال بوده است؟! مسلمانان گفتند: بله. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امر فرمودند که در میان مسلمین ندا داده شود: «هر کس از فرمان سرپیچی کند، بهشت بر او روا نخواهد بود» (همان، ص ۴۹۳-۴۹۴). روا نبودن بهشت بر سرپیچی‌کنندگان از فرمان، نشان از آن دارد که اگر فعل «آتش‌به‌اختیار» همراه با سرپیچی باشد عملی نادرست و نامشروع است و نمی‌توان آن را از مصادیق «آتش‌به‌اختیار موجه و مفید» به حساب آورد.

در مقابل، نمونه‌هایی وجود دارد که شخصی در حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امام علیه‌السلام دست به اقدامی زده که پیامبر یا امام جامعه بر انجام آن دستوری نداده و از انجام آن نیز نهی نکرده است. این نمونه‌ها را می‌توان از مصادیق «آتش‌به‌اختیار» قلمداد کرد. برای مثال:

در عمره القضاء که سال پس از صلح حدیبیه انجام گرفت و مسلمانان و مشرکان مکه در حال صلح، اما با یکدیگر دشمن بودند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با گروهی از یارانانشان برای عمره، به مکه که در اختیار مشرکان بود، وارد شدند. مسلمانان همراه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طواف می‌کردند، و عبدالله بن رواحه این اشعار را می‌خواند:

ای فرزندان کافران از راه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دور شوید!

... ما شما را بر تأویل قرآن می‌کشیم؛

همچنان که درباره تنزیل آن به شما ضربه‌ها زدیم؛

ضربه‌هایی که سرها را از گردن جدا می‌کرد.

... عمر بن خطاب چون این اشعار را شنید، اعتراض کرد. پیامبر ﷺ فرمود: ای عمر، من خود این اشعار را می‌شنوم! و عمر سکوت کرد (همان، ص ۵۶۱).

خلاصه آنکه در ماجرای عمرة القضا، عبدالله بن رواحه شعری می‌خواند که شاید نسبت به کفار تحریک‌آمیز بود. در این حین عمر خواست جلوی او را بگیرد، که رسول خدا ﷺ فرمودند: خودم می‌شنوم (یوسفی غروی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۱۱۲).

اینکه حضرت فرمودند: خودم می‌شنوم و نفرمودند که خودم دستور داده‌ام، شاهدی بر «آتش‌به‌اختیار» بودن حرکت عبدالله بن رواحه است که عمر می‌خواست با مصلحت‌اندیشی مانع آن شود.

۲. عدم مخالفت با امر یا خواسته امام جامعه

طبق شواهد تاریخی، رسول اکرم ﷺ به دنبال فتح مکه بدون خون‌ریزی و مقاومت قریش بودند. حضرت به مردم مکه امان دادند و به پیشنهاد برخی اصحاب، برای بزرگ‌مردم، یعنی ابوسفیان امتیاز خاصی قائل شدند تا احترامش حفظ شود و فکر جنگ به سرش نزنند (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ اما در شرایطی که پیامبر ﷺ چنین سیاستی را دنبال می‌کردند، در روز فتح، حرکتی تحریک‌کننده از سعد بن عباده سر زده. سعد خطاب به ابوسفیان گفت: امروز روز جنگ و خون‌ریزی است و حرمت‌ها از بین می‌رود و قریش خوار و زبون می‌شود. این سخنان سعد موجب ترس ابوسفیان شد و وقتی حضرت رسول ﷺ متوجه ماجرا شدند، جلوی سعد بن عباده را گرفتند (همان، ص ۶۲۸؛ ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ص ۴۴۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵).

ضمن آنکه اگر بنا بر نظر واقعی این تصمیم پیامبر ﷺ برای عدم تحریک ابوسفیان به جنگ بوده، ممکن است بگوییم: عدم تحریک دشمن نیز از جمله شرایط عمل به «آتش‌به‌اختیار» است.

۳. در چارچوب کلی شرع بودن

شرع و پاسداشت آن یک اصل قطعی و عمومی است. بنابراین هر کاری «آتش‌به‌اختیار» باشد یا هر چیز دیگری اگر از چارچوب کلی شرع خارج گردد، مشروعیت یا مجوزی برای انجام ندارد؛ همان‌گونه که بسیاری از امور وقتی در چارچوب شرع قرار می‌گیرد نیازمند دستور خاص امام جامعه نیست. برای مثال، در جایی که واجبی ترک می‌شود یا منکری انجام می‌گیرد و ضرورت امر و یا نهی از آن وجود دارد، لزوم دریافت دستور امام برای انجام آن بیجاست، بلکه ولایت کلی مؤمنان نسبت به یکدیگر و واجب کفایی بودن امر به معروف و نهی از منکر آن را لازم می‌سازد. از همین جا می‌توان به نسبت بین امر به معروف و نهی از منکر با عمل آتش‌به‌اختیار توجه نمود. امر به معروف و نهی از منکر به‌گونه‌ای است که افراد به صورت خودجوش و بدون آنکه امری از امام جامعه صادر شده باشد، ملزم به رعایت و اجرای آن هستند. بر این اساس، اگر قید اختلال در حکومت را قید ضروری برای «آتش‌به‌اختیار» بدانیم، «آتش‌به‌اختیار» به لحاظ مصداقی با برخی موارد امر به معروف و نهی از منکر مشترک می‌شود. البته مواردی می‌تواند مصداق «آتش‌به‌اختیار» باشد، اما مصداق امر به معروف و نهی از منکر نباشد؛ مثل زمانی که برای مقابله با هجمه‌های فرهنگی بیگانگان غیرمسلمان اقدامی صورت می‌گیرد.

در اینجا به یک نمونه که هم در چارچوب شرع واقع است و هم مصداق نهی از منکر سیاسی و هم «آتش به اختیار» به شمار می‌آید، اشاره می‌گردد: در عصر خلفای اول تا سوم، شیعیان به صورت مکرر علیه اصل خلافت آنها و انحرافاتشان مقابله لفظی می‌کردند. این قضیه تا جایی پیش رفت که مقلد ادعا کرد اگر اعوان و انصاری داشت، قیام می‌کرد که با تأیید امام علی علیه السلام همراه شد (یوسفی غروی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۳۱۸-۳۲۰؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۵۶ و ۵۷).

۴. تخصص

یکی از مشکلات بسیاری از قیام‌های آتش به اختیار مسلمانان - اعم از شیعه و غیر شیعه - در صدر اسلام، بی‌برنامگی و نبود تخصص بود و برای آن نمونه‌های فراوانی می‌توان برشمرد: قیام توابع (یوسفی غروی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۹۸-۲۹۴، ۳۰۶-۳۱۰ و ۳۱۴-۳۱۹)، قیام حرّه (همان، ص ۲۳۷-۲۶۴)، قیام محمد نفس زکیه (مختار الیثی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱-۱۵۷) و قیام ابراهیم (همان، ص ۱۵۸-۲۰۰) - برادر محمد نفس زکیه - از این نمونه است. شاید تنها قیام آتش به اختیاری که توسط شیعیان صورت گرفت و دارای برنامه‌ریزی دقیق و تخصصی بود، قیام مختار تقفی بود که منجر به فتح کوفه شد (یوسفی غروی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۳۳۳-۳۶۲). البته شکست مادی همیشه به معنای بی‌برنامگی و استفاده نکردن از عقل و تجربه در برنامه‌ها نیست و گاهی ممکن است با وجود برنامه تخصصی نیز یک قیام شکست بخورد و یا ممکن است پیروزی مادی جزو برنامه‌های قیام نباشد.

توجه شود که «تخصص داشتن» علاوه بر آنکه یک اصل عقلایی است، در موارد دیگری غیر از نمونه‌های آتش به اختیار نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ مثلاً تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر اینکه «هر کس عملی را بدون علم و آگاهی انجام دهد، فسادی که به بار می‌آورد بیش از اصلاحی است که انجام می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴) از جمله نمونه‌های آن است.

۵. جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان از «آتش به اختیار»

وقتی «آتش به اختیار» به ویژگی جامعه تبدیل شود، مسلماً فضای سوءاستفاده از آن نیز فراهم می‌گردد. برای مثال، در ماجرای مسجد «ضرار»، منافقان امور خیرخواهانه و کمبود امکانات را بهانه قرار دادند تا آتش به اختیار، مسجدی بنا نهند و در پوشش آن توطئه کنند، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه شدند و دستور تخریب مسجد را صادر کردند. البته ایشان به تخریب اکتفا نکردند و دستور دادند تا مساجد متعددی ساخته شود که بهانه را از منافقان می‌گرفت (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ص ۴۷۷-۴۷۸).

این حرکت حضرت نشان می‌دهد که برای مقابله با گروه‌های آتش به اختیار فاسد، علاوه بر برخورد سلبی، باید برخورد ایجابی نیز داشت. توجه شود که این امر جزو شرایط انجام نیست، بلکه جزو وظایف حاکمیتی یا مردمی است که در شرایط جواز عمل به آتش به اختیار، جلوی سوءاستفاده از آن گرفته شود.

جمع‌بندی مباحث سیره‌ای درباره آتش‌به‌اختیار

در گام دوم ضمن توجه دادن به ابتدای اصل عمل «آتش‌به‌اختیار» بر یک اصل بدیهی و فطری، یعنی رفع نقص و کمال جویی، به نمونه‌هایی از سیره اشاره شد که می‌تواند مصداقی برای «آتش‌به‌اختیار» باشد و این نمونه‌ها در دو دسته جای گرفت. مطابق یافته‌های تحقیق، در موقعیت‌ها و مواضعی مانند وجود فشارهای اجتماعی به‌وجودآورنده اختلال در حکومت، بی‌بصیرتی و حیرانی مردم، فساد حاکمان، دسترسی نداشتن به امام جامعه و ضرورت تصمیم‌گیری، زمینه عمل به آتش‌به‌اختیار فراهم می‌شود و هر عملی که بخواید به صورت آتش‌به‌اختیار انجام گیرد باید واجد برخی ویژگی‌ها باشد: عدم نپه امام جامعه، عدم مخالفت با امر یا خواسته امام جامعه، در چارچوب کلی شرع بودن، واجد تخصص و توانایی لازم برای انجام کار بودن.

با دقت در مصادیق و نمونه‌های یافت‌شده، به نظر می‌رسد آتش‌به‌اختیار عموماً در ذیل عناوین شرعی دیگری همچون امر به معروف و نهی از منکر، وجوب دفاع از دین، وجوب دفاع از کیان جامعه دینی و امت اسلامی، دفاع از مظلوم و مانند آن می‌گنجد. برای مثال، اگر چنین در نظر بگیریم که امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب روابط مؤمنان معنادار می‌شود، دفاع در برابر هجمه‌های بیگانه غیرمسلمان - مثل سرودن اشعار ضد دینی و حمله نظامی - را می‌توان در ذیل دفاع از کیان اسلام یا جامعه دینی قرار داد.

اما مصادیقی نیز یافت می‌شود که قرار دادن آنها در ذیل عناوین از پیش مشخص نیاز به تأمل بیشتر دارد؛ مثلاً وقتی امام جامعه در حکمرانی خویش خواسته‌ای داشته و به سبب فشار اجتماعی امر او در حال ترک شدن است، در این حالت ممکن است - چنان که گذشت - کسانی همچون سعد بن معاذ به اجرا شدن فرمان حکومتی کمک کنند و پس از آن نیز با تحسین پیامبر ﷺ مواجه شوند. در اینجا احتمالاً می‌توان آن را در ذیل «تبعیت از امام و اجرای فرامین او» قرار داد، اما به سبب وقوع موقعیتی جدید، مانند وجود فشار اجتماعی و مجوزی که پیامبر ﷺ به سعد برای تصمیم‌گیری داد، ممکن است در اینکه همچنان همان حکم پیشین، حکم امام جامعه باشد تردید شود و بنابراین نتوان آن را در ذیل «تبعیت از حکم امام» قرار داد، بلکه آن را عمل آتش‌به‌اختیاری دانست که به واقع به تصمیم سعد وابسته است.

نمونه دیگر که شاید نتوان عنوان مشروع از قبل مشخصی برای آن در نظر گرفت - همان‌گونه که ذکر شد - داستان عبدالله بن رواحه در هنگام فتح مکه است. برای مثل این نمونه‌ها شاید لازم باشد از عنوان جدیدتری همچون «آتش‌به‌اختیار» استفاده کنیم و نتوان آن را در ذیل عناوین قبلی جای داد.

در هر حال، اگر بخواهیم همه این نمونه‌ها را با در نظر گرفتن این قید که قرار است در ذیل بحث از حکومت اسلامی و اعمالی که رافع اختلالات و نیازهای حاکمیتی و نیازهای جامعه دینی است در نظر بگیریم، می‌توان برای مجموع آنها یک هویت مستقل حاکمیتی در نظر گرفت و در ذیل عنوان کلی آتش‌به‌اختیار جای داد، به گونه‌ای که این عنوان، جامع انواعی از اعمال دارای مجوز شرعی بوده و هدف همه آنها صیانت از حاکمیت اسلامی و تأمین نیازهای بر زمین مانده باشد.

مقایسه دیدگاه مقام معظم رهبری با مطالب مستفاد از سیره

در مجموع می‌توان گفت: آنچه را مقام معظم رهبری در ذیل آتش‌به‌اختیار مطرح کرده‌اند، در سیره نیز می‌توان نمونه‌هایی برای آن یافت، به‌گونه‌ای که در حد تحقیق انجام‌شده، برخی را می‌توان با عنوان زمینه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی عامی که امکان وقوع اعمال آتش‌به‌اختیار را ممکن یا ضروری می‌سازد و برخی را با عنوان شرایط انجام یک عمل آتش‌به‌اختیار نامگذاری کرد. اما به اقتضای تفاوت‌هایی که بین دوران معاصر و عصر حضور معصوم علیه السلام وجود داشته است، می‌توان تفاوت‌هایی را در مفهوم مدنظر رهبر معظم انقلاب با مصادیق یافت‌شده در سیره مشاهده کرد؛ مثلاً مقام معظم رهبری بیشتر بر مشکلات فرهنگی و آتش‌به‌اختیار فرهنگی تأکید دارد، اما در سیره - دست کم - این بعد برجستگی ندارد و مسئله نزاع با مشرکان یا اموری دیگر واجد اهمیت بیشتر است یا در بحث اختلال در حکومت، با لحاظ زمان طرح ایده «آتش‌به‌اختیار» و شرایط کشور، در برداشت بسیاری افراد، رفع اختلال‌های مرتبط با دولت مستقر مدنظر قرار گرفت. اما مطابق سیره، این اختلال ممکن است در سطحی بالاتر از کارگزاران و در خصوص امام جامعه نیز رخ دهد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گاهی به سبب فشار اجتماعی، امکان محقق ساختن فرمان خود را نداشتند و انتظار داشتند تا این اختلال از طریق اصحاب جبران گردد.

اما در خصوص شرایط عمل به آتش‌به‌اختیار، رهبر معظم انقلاب - مثلاً - بر قانونمداری و توجه به قوانین موضوعه تأکید دارند، ولی در آن دوره قانون به معنای امروزی موضوعیت نداشت، ولی می‌توان آن را معادل احکام و خواسته‌های شرعی و دینی دانست؛ چنان‌که در تمام نمونه‌های آتش‌به‌اختیار یافت‌شده در سیره، رعایت آنها لازم بوده و هیچ نمونه‌ای یافت نشد که مخالف قرآن کریم یا بیانات معصومان علیهم السلام بوده و از سوی ایشان تأیید شده باشد. به‌عنوان یک نکته تکمیلی و مطابق نمونه‌های یافت‌شده در سیره، اگر فرمان مافوق را معادل قانون در نظر بگیریم، یک استثنای قانون‌مداری شرایطی است که قانون موجب معصیت می‌شود. طبق سیره در این شرایط، عمل به قانون لازم نیست.

یکی از فرماندهان پیامبر صلی الله علیه و آله به مزاح به یارانش گفته بود وارد آتش شوند. ایشان فرمودند: «هر کس شما را به گناهی فرمان داد اطاعتش مکنید!» (واقعی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۷۴۹).

درباره اخلاق‌مداری نیز که مورد تأکید مقام معظم رهبری است، چون اخلاق نیز بخشی از شریعت و دین است، می‌توان آن را در ذیل رعایت قوانین شرعی قرار داد. منتها ممکن است به اقتضای شرایط حاضر، اخلاق‌مداری مورد تأکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته باشد.

اما بهانه ندانن به دست دشمن، هرچند خود اصلی عقلایی است، ولی در میان نمونه‌های یادشده، یک جا و مطابق با تفسیر مغازی، پیامبر صلی الله علیه و آله سعد بن عباد را از شعرخوانی در زمان فتح مکه منع کردند تا بهانه‌ای به دست ابوسفیان ندهند.

برخی نمونه‌های تأکید دیگر، مانند حفظ نظم و آرامش و یا حفظ مصالح کشور نیز هرچند اموری عقلایی

هستند و اصل آنها مورد تأیید شرع و گاه تأکید آن است، اما اینها در سیره، به‌عنوان نمونه‌ای برای آتش‌به‌اختیار لحاظ نشده است.

نتیجه‌گیری

هدف الگوی پسکاوای بهره‌گیری از تجارب زیسته افراد مؤمن در شرایط واقعی زندگی برای دستیابی به تبیین‌های دینی از دو نوع «نظری» و «هنجاری» است. به بیان دیگر، این الگو به‌دنبال تبدیل نظریه‌های عرفی برآمده از ادراکات و دغدغه‌های دینی افراد مؤمن به ادراکات دینی برای تبیین و تفسیر پدیده‌ها یا دستیابی به شیوه‌های عمل مورد تأیید دین در زندگی است. الگوی پسکاوای حاوی دو گام اصلی است: الف) گردآوری تجارب زیسته مؤمنانه؛ ب) عرضه به دین و ارزیابی آن با دین به منظور دستیابی به دیدگاه صواب دینی در موضوع بحث. براین اساس، ایده «آتش‌به‌اختیار» که از سوی یک عالم دینی آگاه به شرایط زمانه و دغدغه‌مند صادر شده و حاصل تجربه طولانی و تأملات ایشان در دین و شرایط جامعه اسلامی است، در این تحقیق به‌مثابه یک روش برای عمل در جامعه دینی یا دیدگاه نظری برای فهم امور اجتماعی، مطمح‌نظر قرار گرفت و به مسئله تحقیق تبدیل گردید و سپس و با تحلیل محتوای سخنان ایشان، دیدگاه معظم‌له در این زمینه استخراج و زمینه اصلی و اجزای آن شناسایی شد و در گام بعد به کمک روش اجتهادی دیدگاه استخراج‌شده بر سیره معصومان علیهم‌السلام که بخشی از متون دینی اسلام است، عرضه و ارزیابی گردید.

براساس یافته‌های تحقیق، مصادیق و نمونه‌هایی در سیره وجود دارد که هرچند بسیاری از آنها در ذیل دیگر عناوین دینی، مانند امر به معروف و نهی از منکر قابل جایابی است، اما نمونه‌هایی نیز - دست کم - محل تأمل است و احتمالاً نیازمند عنوان مستقل یا جدید است. اما اگر بخواهیم به همه نمونه‌ها در ذیل بحث از حکومت اسلامی و به‌عنوان شیوه‌ای برای کمک گرفتن از مؤمنان برای رفع اختلال‌های حکومتی استناد کنیم و به‌عنوانی برسیم که جامع چنین اعمالی باشد، شاید بتوان از همین تعبیر «آتش‌به‌اختیار» یا عناوینی شبیه به آن استفاده کرد.

مطابق جست‌وجوی صورت‌گرفته در سیره، نمونه‌هایی که می‌توان آنها را در ذیل «آتش‌به‌اختیار» قرار داد به دو دسته قابل تقسیم است: یک. نمونه‌ای که نشان می‌دهد در چه موقعیت‌هایی جواز عمل به آتش‌به‌اختیار وجود دارد؛ از جمله وقتی حاکمان فاسد در رأس امور باشند یا به امام جامعه دسترسی نباشد. دو. شرایطی را که هنگام عمل «آتش‌به‌اختیار» باید در نظر گرفت که عدم مخالفت با شرع یا عدم نهی امام جامعه از جمله شروط آن است.

اما در مقام مقایسه موارد مستفاد از سیره با ایده مطرح‌شده از سوی مقام معظم رهبری، در مجموع، بین آنها همخوانی وجود دارد، هرچند در برخی خصوصیات به‌علت اقتضائات متفاوت زمانی، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌گردد. همچنین همان‌گونه که از نگارش مقاله پیداست، الگوی پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه، هم قابلیت اجرا دارد و هم از نظر امکان بهره‌گیری از تجربه زنده و روزآمد مؤمنان و امکان نقد و اصلاح این تجارب به کمک متون دینی و حتی رسیدن به یک فهم نظری یا عملی واجد کارآمدی است.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی.
- ابن هشام، عبدالملک بن، ۱۳۸۳، *سیرت رسول الله ﷺ*، تحقیق جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز.
- باقری، سیامک، ۱۳۹۶، «چستی آتش به اختیار در منظومه فکری و عملی رهبر معظم انقلاب»، *پیام*، ش ۱۲۵، ص ۸۸-۷۱.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khamenei.ir
- پرهیزکار، غلامرضا، ۱۳۹۹، «الگوی پسکاوای تجارب زیست مؤمنانه، روشی در علوم انسانی اسلامی»، *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۲۱، ص ۱۱-۳۴.
- پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۷، *آتش به اختیار در عرصه فرهنگی*، قم، زمزم هدایت.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۲، *تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)*، چ دهم، قم، دلیل ما.
- جلالوند، مهدی و بهزاد جلالوند، ۱۳۹۵، «مبانی فرمان آتش به اختیار در منظومه فکری امام خامنه‌ای»، *اندیشنامه ولایت*، ش ۴، ص ۴۱-۶۳.
- جلیلی، سعید، ۱۳۹۶، «تأملی بر مفهوم آتش به اختیار بر اساس آیات قرآن کریم»، در: rajanews.com/node
- صدرحاج سیدجوادی، احمد و دیگران، ۱۳۸۱، *دایرة المعارف تشیع*، تهران، شهید سعید محبی.
- صدوق محمدبن علی، ۱۳۷۲، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- قرشی، سیدعباس، ۱۳۹۶، «تأثیر فرمان آتش به اختیار رهبر انقلاب جمهوری اسلامی ایران در حوزه فکری و فرهنگی»، در: *سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی*، بندرعباس، دانشگاه پیام نور.
- کریم‌آبادی سبزی، یونس، ۱۳۹۸، *آتش به اختیار، کار فرهنگی خودجوش و تمیز، تهران، نهضت نرم‌افزاری*.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مختار الیثی، سمیره، ۱۳۸۵، *مبارزات شیعین در دوره نخست خلافت عباسیان*، ترجمه کاظم طباطبایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، ۱۳۹۲، *قاموس المعارف*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- مرکز دیدار، بی‌تا، *آتش به اختیار*، بی‌نا، کتابخانه الکترونیک طاقچه، در: taaghche.com/book
- مصباح، محتبی، ۱۳۹۸، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- منقری، نصرین مزاحم، ۱۳۷۰، *بیکار صفین*، ترجمه پرویز اتابکی، چ دوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- موسی‌پور بشلی، ابراهیم، ۱۳۹۵، *دین زیسته و زندگی روزانه*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- واقدی، محمدبن عمر، ۱۳۶۱، *تاریخ جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ستاد انقلاب فرهنگی، ج ۱.
- _____، ۱۳۶۲، *مغازی: تاریخ جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۲.
- _____، ۱۳۶۶، *مغازی: تاریخ جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۳.
- هیأت عالی اندیشه‌ورز بسیج، ۱۳۹۶، *راهنمای عملی آتش به اختیار*، تهران، مقاومت.
- یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۴۲۰ق، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج ۲.
- _____، ۱۴۲۸ق، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، چ سوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج ۳.
- _____، ۱۴۲۹ق، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج ۴.
- _____، ۱۴۳۱ق، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج ۷.